

انتخاب «درباره الی...» برای حضور در

رقابت اسکار ۲۰۱۰

درباره الی ... برای شرکت در رقابت‌های اسکار، به عنوان نماینده ایران معرفی شد.

در انتخاب اولیه، فیلم‌های سینمایی آتش سبز، بی پولی، بیست، پستچی سه بار در نمی‌زند، تردید، درباره الی ...، خاک آشنا، سوپرستار، سه زن، کنعان و وقتی همه خوابیم برای انتخاب نماینده ایران در اسکار ۲۰۱۰ برگزیده شدند و سپس چهار فیلم بی پولی، بیست، تردید و درباره الی... برای رقابت نهایی باقی ماندند.

هیئت مسئول برای معرفی فیلم برگزیده ایرانی به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار با حضور کمال تبریزی، ایرج تقی‌پور، محمد داودی، مرتضی رزاق کریمی، سیدجمال ساداتیان، کیانوش عیاری، علی معلم و امیر اسفندیاری فعالیت خود را طی یک ماه اخیر به انجام رساند.

اسفندیاری سخنگوی هیئت گفت: طبق معمول سال‌های قبل با تعامل بنیاد سینمایی فارابی و خانه سینما، هیئت معرفی فیلم برگزیده ایرانی به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی با تشکیل جلسه، بحث‌ها و بررسی‌ها و بازبینی برخی فیلم‌ها فعالیت خود را انجام داده است.

در مراحل اولیه بازخوانی، مقررات و مباحثی درباره معیارهای این هیئت برای انتخاب فیلم ایرانی مطرح و نام ۴۴ فیلم ایرانی که به تأیید اداره کل نظارت و ارزشیابی در فاصله نهم مهر ۸۷ تا هشتم مهر ۸۸ یک هفته در ایران به اکران درآمده‌اند، عنوان شد. بر اساس این مباحث، هیئت به فهرست ۱۱ فیلم برای بررسی‌های بیشتر رسید.

در مرحله دوم چهار فیلم تردید، درباره الی ...، بیست و بی پولی برگزیده شدند و در مرحله نهایی درباره الی ... به عنوان نماینده ایران در رقابت اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان به آکادمی معرفی شد.

بهر روز افخمی فیلمنامه «جمع مستان» را

می‌نویسد

با پایان تحقیقات میدانی برای نگارش فیلمنامه «جمع مستان»، این فیلمنامه توسط بهروز افخمی نوشته می‌شود.

این فیلمنامه درباره یک مرکز رادیویی صحرایی در زمان جنگ است که توسط صداوسیما کرمانشاه راه‌اندازی می‌شود. موضوع از این قرار است که عراقی‌ها ایستگاه رادیویی منطقه را از بین می‌برند، اما خود کرمانشاهی‌ها یک ایستگاه دیگر را بنا می‌کنند.

این فیلمنامه برگرفته از واقعیت است و افخمی برای نگارش آن نیاز به پاره‌ای تحقیقات میدانی داشته است. این تحقیقات توسط یک گروه چهارنفره به همراه خود افخمی طی سفری به کرمانشاه انجام شده و طی آن با افرادی که در بنای ایستگاه شرکت داشته‌اند، مصاحبه شده است. البته نگارش این فیلمنامه مدتی قبل آغاز شده بود که قرار است با خاتمه کار تحقیق از سر گرفته شود.

افخمی علاوه بر این فیلمنامه سه تله‌فیلم «نور انتهای تونل»، «شوگ» و «مردان بدون زنان» را نیز در دست تولید دارد که با طی کردن مراحل اداری به تولید خواهد رسید. این در حالی است که بخشی از مراحل پیش تولید «شوگ» نیز انجام شده است.

بهر روز افخمی تاکنون تله‌فیلم یازده دقیقه و سی ثانیه را برای مرکز سیما فیلم کارگردانی کرده که چندی پیش نیز از تلویزیون پخش شد. قرار است افخمی در ادامه همکاری‌اش با این مرکز، تله‌فیلم‌هایش را به تولید برساند.

نکوداشت ناصر تقوایی در سیزدهمین جشن

بزرگ سینما

تندیس شایستگی جشن سینمای ایران به خاطر یک عمر دستاورد هنری به ناصر تقوایی از پیشکسوتان فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی اهدا شد. ناصر تقوایی متولد سال ۱۳۲۰ آبادان از

تأثیرگذارترین سینماگران ایران در شکل‌گیری تولید نسلی نو با نگاهی تازه در سینمای پیش از انقلاب است.

تقوایی در دانشکده ادبیات تحصیل و با ساخت سریال تلویزیونی جایگاه ویژه‌ای در تلویزیون پیدا کرد.

او فعالیت سینمایی خود را با دستیار کارگردانی در فیلم خشت و آینه به کارگردانی ابراهیم گلستان آغاز کرد و در سال ۱۳۴۹ با کارگردانی فیلم آرامش در حضور دیگران شروع مهمی در سینما داشت.

تقوایی در دهه ۶۰ با ساخت فیلم ماندگار ناخدا خورشید که در جشنواره فیلم فجر چندین جایزه دریافت کرد، منتقدان را شگفت‌زده کرد.

برخی دیگر از آثار سینمایی ناصر تقوایی که بیش از چهار دهه فعالیت در گستره ادبیات و سینما حضور توانمندی دارد، عبارت است از: صادق کرده، نفرین، ای ایران، کاغذ بی خط، کشتی یونانی و...

دارالشفائی و فیلمنامه‌ای برای مومن

فردا، اگر بیاید عنوان آخرین فیلمنامه تله‌فیلمی است که جمیله دارالشفائی به نگارش درآورده و هم‌اکنون فرزاد مومن در حال کارگردانی آن است. «فردا، اگر بیاید» داستان زنی جوان را روایت می‌کند که در یکی از روزهای مهم زندگی‌اش گیر افتاده. داستانی زنانه که به دغدغه‌های

حضور اجتماعی یک زن و تقابل آن با زندگی خانوادگی‌اش می‌پردازد. فضای فیلمنامه شاد، ریتم آن سریع و لحن آن به فیلمنامه‌های کمدی رمانتیک شبیه است و شخصیت اصلی آن را پریشوش نظریه بازی می‌کند. تهیه‌کننده «فردا، اگر بیاید» ابراهیم زاهدی فر است. او تهیه‌کنندگی دماغ - فیلم قبلی فرزاد مومن - را نیز بر عهده داشته.

پیش از این فیلم‌های ربات (به کارگردانی مهرداد خوشبخت) و لحظه دیدار (به کارگردانی اسماعیل فلاح‌پور) و مجموعه‌های تلویزیونی پنجره (با همکاری حمید گرشاسبی) و آرزوهای شیرین

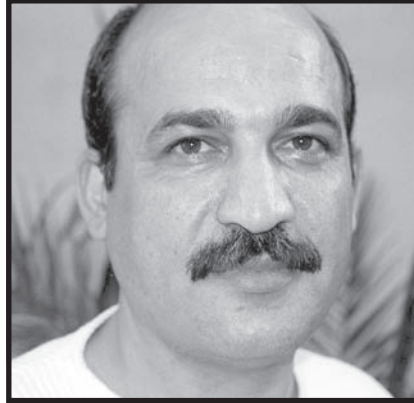
به نویسندگی جمیله دارالشفائی از شبکه‌های یک و پنج تلویزیون پخش شده‌اند و هم اکنون مجموعه تلویزیونی «زندانی» به تهیه‌کنندگی سعید شاهسواری را با همکاری حمید گرشاسبی می‌نویسد.

اعتراض محسن دامادی به ثبت غیر قانونی یک فیلمنامه

محسن دامادی نسبت به ثبت غیر قانونی یکی از فیلمنامه‌های خودش با ارسال نامه‌ای تحت عنوان «قبرستان غیر انتفاعی صاحب داردا» اعتراض کرد. او در نامه‌ای اعتراض خود را چنین اعلام کرده است: «شنیدن خبری مبنی بر نگارش و ارائه فیلمنامه‌ای با موضوع «قبرستان غیر انتفاعی» به اداره نظارت، حیرت‌انگیز بود، زیرا این فیلمنامه به نام و مضمون فوق و به نام اینجانب، ثبت شده است.

نگارش «قبرستان غیر انتفاعی» برمی‌گردد به سال ۱۳۷۰ و در تاریخ ۷/۶/۱۸ طی قراردادی به مؤسسه مینا فیلم، به مدیریت حاج سعید محمدرضا عالی پیام واگذار شده و ما مدت‌ها برای آن جلسه می‌گذاشتیم و گفت‌وگو می‌کردیم. نمی‌دانم قبلاً یا بعد از همین تاریخ هم، به بنیاد فارابی رفت یا رفته بود. همان زمان بود که آقای عبدالله اسفندیاری، معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی بودند و رهنمودهایی مرحمت کردند. جناب عالی پیام هم (که با من قرارداد داشتند) به دلایلی که خودشان باید بگویند، آرام آرام از سینما و اهل سینما دلسرد شده و به گرمای شعر پناه بردند، و حقیقتاً هم طنزهای کم‌نظیری می‌سرایند؛ و «قبرستان غیر انتفاعی» ماند، تا گمان می‌کنم، حوالی سال ۱۳۷۵ بود که در مدرسه کارگاهی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، به مدیریت جناب آقای محمود اربابی، که حالیه، مدیر کل محترم اداره نظارت سینمای حرفه‌ای هستند ثبت شد، و در جلسهای با حضور حجه الاسلام زم، جناب حسنی زاده، جناب اربابی، جناب توحیدی و دهها هنرمند دیگر سینما افتخار قرائت و شنیدن اظهارات را یافت و البته نسخه‌ای از آن، به رسم یادبود در مدرسه ماند؛ و در سال ۱۳۷۷ نیز در بانک فیلمنامه کانون فیلمنامه‌نویسان ثبت شد و البته در این سال‌ها، جسته و گریخته، بازنویسی و دوباره‌نویسی می‌شد، زیرا آن چه مرا بیش از هر چیز (که با طرح‌ها و ایده‌های بسیاری درگیر بودم) باز به صرافت قبرستان می‌انداخت، خبرهایی از بهشت زهرا و مشکل جا و راه اندازی قبرستان‌های دیگر بود.

اوایل سال ۱۳۸۴ جناب آقای قاسم قلی‌پور مدیر محترم مؤسسه سینمایی چشم سوم، تا چشمشان به فیلمنامه افتاد، چنان شور و شوقی کردند، که اشک در چشم بنده جمع شد؛ و از آن پس، جلسات روخوانی و دوباره کاری‌های «قبرستان غیر انتفاعی» شروع شد. یکی از این جلسات هم با حضور آقای



شهرام اسدی کارگردان سینما بود. به این ترتیب، چند هفته‌ای بحث بنده و آقای قلی‌پور تأسیس «قبرستان غیر انتفاعی» بود، تا این که از وسواس‌های ایشان به ستوه آمدم و رفتم «آیین دلبری» را ساختم، با این قید که پس از آن باز پرونده قبرستان را باز کنیم، که نشد. البته آقای قلی‌پور هم تا چشمش به من می‌افتاد، چشم غره می‌رفتند که دیدی...

بعد از آن بنده دو فیلم **یک اشتباه کوچولو** و **خانواده ارنست** را ساختم... بماند و به هر روی، بعد از یک دهه بازنویسی و دوباره‌نویسی، اکنون فیلمنامه «قبرستان غیر انتفاعی» به نقطه شکفتن رسیده، که... خبر آمد، خبری در مطبوعات درج شده، که کسی «قبرستان غیر انتفاعی» نوشته. شاید این همه سال و دست به دست شدن فیلمنامه، ناخوسته، موجب دوباره کاری غیر عمدانه شده، یا شاید این تشابه از باب توارد باشد... اما شاید هم کسی بگوید، هیچ ایده سینمایی، حقی برای هیچ کس، برای تصاحب آن ایجاد نمی‌کند... هر چه هست، هیچ تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار عاقلی هم نباید به استقبال زیان و خسارت قابل پیش بینی برود. «قبرستان غیر انتفاعی» صاحب دارد...

دوستان، رمز ماندگاری و حضور پیوسته در هر کاری، رعایت اخلاق و منش حرفه‌ای است، به خودمان، به حرمت خودمان و به حرمت شغلیمان، احترام بگذاریم، زمانه که بی‌رحم است.

معرفی داوران بخش فیلمنامه جشنواره فیلم‌های ورزشی

طی حکمی از سوی عبدالرضا ساور رئیس جشنواره، قاسم علی فراست، انسبه شاه حسینی و محبوبه گشایشی به عنوان اعضای هیئت داوران بخش فیلمنامه جشنواره فیلم‌های ورزشی انتخاب شدند. این هیئت بیش از ۸۰ فیلمنامه ارسال شده به دبیرخانه جشنواره را مورد داوری قرار داد و در سه بخش بهترین فیلمنامه سینمایی، بهترین فیلمنامه داستانی و بهترین ایده ورزشی برگزیدگان بخش فیلمنامه هشتمین جشنواره فیلم‌های ورزشی را انتخاب کرد.

در بخش ایده‌ها و فیلمنامه‌های ورزشی که

اختصاص به فیلمنامه و ایده‌های ورزشی دارد، آثاری مورد قضاوت قرار گرفت که فیلمی براساس آنها ساخته نشده باشد.

افتتاحیه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی و تلویزیونی تهران، ۳۱ شهریور در سالن همایش‌های مجموعه ورزشی انقلاب برگزار شد.

انتشار «هیچ کس سرباز به دنیا نمی‌آید»

فیلمنامه «هیچ کس سرباز به دنیا نمی‌آید» نوشته رسول ملاقلی‌پور به همت مدرسه کارگاهی فیلمنامه‌نویسی منتشر می‌شود.

علاوه بر اثر یادشده، کارگاه فیلمنامه‌نویسی حوزه هنری با همکاری انتشارات سوره مهر، فیلمنامه‌های **دل خون** به نویسندگی محمدرضا رحمانی، **به همین سادگی** نوشته رضا میرکریمی، **فرزند خاک** اثر محمدرضا گوهری و محمدعلی باشه آهنگر، **خیلی دور، خیلی نزدیک** نوشته سیدرضا میرکریمی و محمدرضا گوهری و **یک وجب از آسمان** به نویسندگی علی وزیران را در مراحل مختلف چاپ دارد. این فیلمنامه‌ها به زودی منتشر می‌شوند.

یک مشت خاطره مشتاقی نیا

فیلمنامه «یک مشت خاطره» نوشته هاله مشتاقی نیا به تهیه‌کنندگی سیدکمال طباطبایی و به کارگردانی بهرنگ توفیقی ساخته می‌شود.

به گفته مشتاقی نیا «یک مشت خاطره» با محوریت دو زن از دو طبقه متفاوت جامعه شهری نوشته شده است و او سعی کرده تضادها و شکاف طبقاتی و طرح دیدگاه‌های مذهبی و عقیدتی دو قشر متفاوت از جامعه را بدون پیش‌داوری بنویسد. مشتاقی نیا می‌گوید: «ایده این فیلمنامه مربوط به سه سال پیش است که برای تحقیقات فیلمنامه‌ای در آسایشگاه قدس حضور داشتم و با خانم مددیاری آشنا شدم. اومی گوید: «به تازگی فیلمنامه‌ای تحت عنوان «نامنی» نوشته‌ام که پیرامون زندگی حرفه‌ای و عاطفی یک آهنگساز مشهور موسیقی فیلم است.

این فیلمنامه بر اساس نمایشنامه‌ای به همین نام است که یک سال پیش نوشته بودم و جزو متون نمایشی برگزیده جشنواره تئاتر فجر سال ۸۷ بوده و جایزه سوم آثار برتر ادبیات نمایشی ایران را در اردیبهشت ۸۸ گرفت و توسط نشر نمایش منتشر شد. فیلمنامه «مرد مقابل» هم بر اساس یک دیگر از نمایشنامه‌هایم است که در حال مذاکره با یکی از تهیه‌کنندگان برای ساخت سینمایی آن هستیم. «مرد مقابل» درباره زنی متأهل و خانه‌دار است که بعد از سال‌ها با مرد ایده‌آل سال‌های جوانی‌اش که یک نقاش است، روبه‌رو می‌شود. مجوز انتشار این متن توسط نشر قطره گرفته شده و در دست چاپ است.»